

(عنوان مراسلات)

اسكندرية

(اداره چهره نما)

صندوق پوست

نمره ۵۳۳

ALEXANDRIE
CHEHRE NUMA

Boite de la Poste

No. 533

اعلان سطري

دو فرنگ در تکرار

باداره رجوع شود

ظروف

وپا کتھاي بدون

تقر قبول نخواهد شد

چهره نما

۱۳۲۲-۱۹۰۴

جریدة مصور

۱۵ ربیع الثاني ۱۳۲۲ هجری مطابق ۳۰ ژوئو ۱۹۰۴ میلادی

وجه پست داخله وخارجہ بمعدہ اداره است

(قیمت آونہ سالیانہ)

اسكندرية و نظير مصر

سه ريال ۳

ممالك دولت غايه ايران

سه تومان ۳

بلاد محروسه عثمانی

چهار مجيدي ۴

انگلند هندوستان

ده روييه ۱۰

قفقازيه تركستان

هشت منات ۸

اروپاچين بيست

فرنگ ۲۰

این روزنامه مصور و آزاد و بدون القاب موقتا ما هي دوبار و بعد هفته کی طبع و توزیع میشود

فهرست مندرجات

سیاسی - جنرال گورگی ژاپون - عبرت یا غیرت -
مکتوب از طهران یا تفحات روضه رضوان - خطابه
در مشابه اعلحضرة همایونی - بادگوبه - تیشه بر ریشه
خود هر که زند اینش سزاست - اجمل التواریخ -
ترقیات علم و تنزلات جهل در ژاپون - چهره نما -
مقاله مخصوصه - انکه شیرازا کندرو به - افغانستان -
مصر قاهره - چهره نما - تلکرافات - اعتذار -

سیاسی

بدرازا کشیدن جنک اقصای شرق که در این
قرن از برز کترین جنگهای عظیمه اروپا یا آسیا بقلم
می رود سخت خاطر سیاستون را متشتت و اشفته و آراء
نکته دانان و رموز پولتیک شناسانرا بغایت پریشان
کردانیده

هرگز در ساحت خیال دانشمندان و موشکافان
چنین صورت خارجی پیدا نمی کرد که دولتی مقتدر
و کار - آزموده و معظم و به تجربه رسیده توانا در مدت

با شعورانه در هر موقع از آنها بروز کرده است (خداوند
 این دولت جوان آسیائی که امروز شرقیازرا باعث
 افتخار و محسود اروپاست و هزاران تمجید و دعارا
 سزاست از چشم زخم رقابت و حسادت اروپا و یان
 محفوظ بفرماید) پس از غرق امیر البحر روس (جنرال
 سکریدلوف) منصوب و برقرار که شد همه کوشش
 وسعی داشت که به نیروی عقل صائب خدمتی کند
 تا آنکه چند روز قبل هنگامیکه با کشتی ولادفستک
 در گردش بود در طرف شرقی (پوراآرت) تصادف کرد
 با چهار کشتی معمولی جنکی ژاپون که حامل چهار
 هزار دو یست سربازان بحری ژاپون بود بی مهابا بانها
 تاخت و کار هر چهار کشتی را ساخت و رهسپار دیار
 عدم کرد لاکن کشتیهای مذکور از ردیف چهارم
 کشتیهای معمولی ژاپون بود بعضی کویند
 تجارقی یا حامل بود ازین مقدمه دوروز فاصله امیر
 البحر ژاپون (جنرال توکو) تلافی مغرورین کرد
 دو کشتی جنکی زره پوش و یک کشتی جنکی روس
 را غرق کرد مغرورین کشتیهای روس نامعلوم
 اظهارات جنرالها و سرداران معظم روس همه
 آیه یاس از فتح بلکه نا امیدی صرف از جان
 هر یک میکنند چنانچه جنرال (ستوسل) سردار
 قشون و مستحفظ (پوراآرت) چنین بیان کرده
 است که از مال این جنک و محاصره بندر بقدری
 خائفم که عاقبت ترسم مدفنم قلعه یا خندق پوراآرت
 بوده باشد (جنرال سکریدلوف) امیر البحر روس
 در این جواب اظهار میکند من سر کرا بالایی سر خود

قلیل دست خشک دولتی جوان و مرعوب حکومتی
 بقول خودش ناتوان کرد
 نه تنها امروز این جنک سگته عظیمی در دواژ
 سیاسی و پولتیک دول معظم اروپا انداخته و ارکان
 بارگاه خیالات فاسده آیه انها را متزلزل ساخته
 بلکه حرکات لشکری و سکنتات عسکری و تنظیبات
 و تعلیمات سران و افسران ژاپون چنان رعب و مهابتی
 شایان در خاطر دول اروپا عموماً و افراد لشکریان
 و آحاد رجال و وزراء و جنرالهای روس خصوصاً انداخته
 که هر یک بدون تأمل و سکونت از بی علاج آینه
 خود برآمده و آلات ناریه جدید الاختراع خود را
 مقابل تتبعات جدیدة ژاپون به پیشیزی شمارند و فنون
 عالیه حربیه خود را نزد افکار صائبه او وقتی نکذارند
 تبعات افکار و مخترعات آثار سران سپاه ژاپون
 که در این داهیه دهیا و محاربه عظاماً حضور دارند نه
 بسمیستکه توان بطریق اجمال شرح داد قبض و اخذ
 مکاتبات تلکرافهای بی سیم هوایی روسیها را و استنباط
 کردن مخبرات تلکرافی تحت البحری انها را بدون
 دانستن نقطه ابتدایه و موقف انتهائیه که هر یک در جو
 فضایی لایتناهی بقوه علمیه ممتد است عقلهای اروپا
 و یازا مبهوت ساخته که افسران نظامی ژاپون چند
 قسم علوم و فنون را در مدارس عالیه نظامی تحصیل
 کرده اند (در زیر آب مطالب گرفتن و فهمیدن از سیم
 تلکراف دشوارتر از اخذ مطالب تلکراف بی سیم است
 در فضایی هوا) و در کدامین معارک و غزوات تجربها
 حاصل نموده اند که ایگونه تدبیرات عاقلانه و تمهیدات

مانند کبوتران پست که همه دم پرواز میکنند از فراز به نشیب و از قلعه بمیدان هم تقسیم درطیران می بینم چه موقع برسم نشیند کسی نداند (جنرال کورپاتکین) سپهسالار کل درخطابه خود محض تهیج سپاهیان میگوید من دراین جنگ سر خود را کف دست نهاده آمده ام

بندر پور آرتر از حسب استحکامات و قلعه بندی و بروج و خندق و غیره اول بندر دنیا محسوب است (جنرال فستشکوف) مهندس روس در بنای اوهمتی کماشسته و اغلب را کمان این است که بر بنیان این بنای مشید محکم هر توپ قلعه کوپ توان رخنه انداخت و بر بروج و باره اش هر خمپاره دریائی توان خطشه افکند جنرال موصوف از شرقی و غربی اوسه قلعه بندی نموده و مسافت بین هر یک را ۵۰ کیلومتر قرار داده و خندقی به پهنائی هیجده کیلومتر بین حصار آخرین قرار داده و سیمهای زخیم تراشه دار باطراف و حوالی خندق بسته است (هر کیلومتر معادل ۹۵۷ ذرع شاه می باشد عبث عبث این همه اتلاف نفود و نفوس نشده است قوای بری روس در این بندر از پیاده بیست شش هزار و از سواره پانزده هزار و توپچی شش هزار و سه کشتی جنگی زره پوش از دریا معاونست که هشت هزار نفر سپاه بحری حامل دارند

در تحت ریاست (جنرال توکو) امیر البحر ژاپون نود هزار سپاه بحریست و در تحت ریاست (جنرال ندوزو) یکصد بیست هزار قشون است چنانچه

در بند سیاسی گذشته اظهار شد امروز ژاپون بقسمیکه مسلم تمامی سیاسون گردیده برا و بجزراً غلبه دارد و اگر در این بین فتحی شامل حال روس شود از تصادفات است لیکن از فراست کافیّه ژاپون چنین پبی برده که انعدام خصم را به امتداد جنگ میدانند و امروز یومیّه مصارف قشون روس در اقصای شرق یکمیلیان هشتصد هزار (روبل) منات روسی معین شده است و این خسارت از تلف شدن آدم بجته روس اهمیتش بیش است این است ژاپونیهها کجدار مریز جنگ میکنند و در بین دو و سه روز یک از بنادر را بتصرف درمی آورند شبه جزیره (لیاوتنگ) هم بتصرف ژاپونیان آمد سلوک و رقمار روس خیلی طبایعرا منجز گردانیده چنانچه سفیر امریکا در پترسبورغ سخت اعتراض کرده که دولت روس در اقصای شرق رسم عهد جاهلیت را پیش گرفته و در قانون دول متمدنه چنین اصول بنوده که اسرار را بیازارند و از ما کولات و مشروبات آنها امساک کرده و غفلت ورزند این قاعده جدید در این دولت دیده میشود که اسرای ژاپونرا محض تسلائی دل خود و تسکینه خاطر رعایای اشفته شهر بشهر و بلد به بلد بگردانند و از طرف دیگر جراید مصور روسی به شکلهای مختلف کمه هرگز صورت خارجی پیدا نکرده است جراید خود را رسم بندی کنند البته باید کار گذاران دولت روس این قسم

رفتار ها که مغایرت اداب انسانیت است و توهین
 نوع دول اروپست ترك کنند مكرنه اسرای روس
 در ژاپون پنجاه مقابل اسرای ژاپونست دولت ژاپون
 در کمال انسانیت و مهربانی با انها رفتار میکنند
 و تمامیرا در یکجا جمع کرده تا حال رسماً دو دفعه
 از سردارها و سران و افسران ضیافت شایان کرده که
 عموم دول ازین قسم اداب انسانیت دانی تشکر
 ها از او کرده اند

بی نشانرا شهره آفاق سازد آشکار

علم و تدبیر و جلادت در صفوف کارزار



Le Général Japonais COUROKI

— جنرال کوروکی —

(سپهسالار کل قشون ژاپون در اقصای شرق)

حرکات دلیرانه نظامی و سکنات عاقلانه خصم پذیرائی (جنرال کورکی سپهسالار ژاپون) امروز جالب
 انظار دقیق جمیع سپهسالارهای دول معظم و جنرالهای مقتدر اروپاویان گردیده و مضمون اغلب سیاسون

و آرای اکثر نکته دانان بر این است که فون حریبه (جنرال کورپاتکین) هرگز تفوق به افکار صائبه و فراست و هوشیاری (جنرال کورکی) نخواهد یافت و معیار خرد و میزان عقل و یکاست این دو سپهسالار معظم مغایرت تام دارد و اگر فتح و نصرت از اکثرت قشون و بلندی اسم دولت و مناصبه عالیه و جوایز زیاد و بدست آوردن تجربه و غیره است (جنرال کورپاتکین روسی) خیلی دیده (و جنرال کورکی) ژاپونی ده یک این مقامات را حاصل کرده است و جنگی ندیده و بانک کوسی نشنیده لیکن شهادت و فراست او عالمیرا شیدا ساخته نه فقط این سردار معظم آثار جلالت و یکاسترا داراست از ادنا سر بازان ژاپون همین قسمها دیده میشود صحایف اروپا امروز تمامی یک لسان و یک زبان از مدایح و ستایش جنرال کورکی سخن رانند و فرس مبالغه تا انتها سرحد خیال میرانند چنانچه روسیا نیکه در قید اسارت او هستند همه تصدیق دارند

عبرت یا غیرت

رزونامه دیلی در بند مخصوصی بقلم یکی از سیاحین اروپا که قبل از ده ماه سیاحت و سیر آسیا و اروپا را کرده است چنین مینکارد که من در بلاد روسیه در هر جا سیر کردم و با رجال و افسران روس صحبت از جنگ ژاپون میان آمد دیدم همه دم از صلح و صلاح میزنند و صلح را بچنگ رجحان میدهند و طبعاً تفر از جنگ

ژاپون دارند و ندیدم در عرض سیر خود یک از روسیان که هوا خواه جنگ بوده باشد و برعکس از ابتداء خاک ژاپون بهر جا که رسیدم و با هر که صحبت از جنگ و صلح روس میان آمد دیدم همه صحبت از جنگ و حقوق ملی و وظایف شاه و دولت پرستی و مسترد کردن بلاد و اوطان چینی میزنند و مال بازگشت تجاوزات روس را بسوی خود میدادند باز میگوید روزی بر حسب اتفاق بمکازین یکی از ژاپونیا در توکیو رفتم در بین معامله رشته مطلب بر سر جنگ روس کشید دیدم تاجر ژاپونی جوانی را خواند جوانی آمد که تازه خطش دمیده و بمنفوان جوانی رسیده در کمال ادب و وقار سلام داد شخص تاجر ژاپونی گفت دو اولاد دارم بموجب قانون و اصول نظام ژاپون این یک باید بطرف جنگ برود من او را پرورش نمودم و تربیت کرده ام که اینک بر سر حقوق وطنی و جان باختن به امر پادشاه دفاع کند و سر تار نماید امروز بالای همه لذتها برای منی پیر شکسته ان لذت است که به بینم جوانم دست و پای خضاب کرده در میدان کارزار بیفتد و مافایق ابیم بیانات جوان بمراتب موثرتر بود

(با این وطن پرستی و غیرت و حمیت و دولتخواهی و هزاران صفات دیگر که این قوم امروز دارا هستند و از نظر نا امید و بی بصیرت بودن و توحش روسیان هیچ کسرا مظنون نیست که روسیان نصرتی پیدا کنند و فتحی غنیمت نمایند چهره نما)

* مکتوب از طهران *

(یا نفحات روضه رضوان)

مدیر روشن ضمیر روزنامه چهره نما را زحمت است اولاً طلوع این نیر اعظم که از افق آمال ملت چهره نمای عالم مطبوعات و ترقیات شده تبریک زاید الوصف عن صمیم القلب میگویم و ثانیاً ا خداوند دوام و قوام او را و توفیقات مدیرش را خواهانم و ثالثاً خطابه درر مثابه بنده کان اعلم حضرت قدر قدرت اقدس همایون شاهنشاهی روحی فداه را که هنگام سلام خاص در باغ دوشان تپه در صورتیکه عموم شاهنشاهزاده کان عظام و شاهزاده کان فخام و عامه وزراء کرام و قاطبه حکام به پیشگاه اقدس تشرف جستند بودند عز تقریر فرمودند ارسال داشتم که محض مسرت قلوب دور افتاده کان ابناء خاک پاک وطن وزینت صناعات چهره نما درج کنید

خطابه درر مثابه اعلم حضرت قدر قدرت شاهنشاهی (

* هنگام دربار و سلام خصوصی *

عمده مقصود ما از این احضار عمومی بیان مقصودی است که در علاج و اصلاح احوال مملکت و انتظام امورات دولتی و آسایش عامه اهالی در نظر

گرفته ایم و اگرچه از اوایل عهد سلطنت خودمان هیچوقت از این مقصود گرامی غفلت نداشته ایم - لیکن چون در این مدت آنطور که عزم و نیت ما اقتضای نمود مکنونات خاطر مان در ترقی و تمدن رعیت و آسایش عموم و اصلاح کارهای دولتی بعمل نیامده در اینموقع باستظهار بتأیید خداوندی و اعتمادی که بشماها درایم میخواستیم بحول و قوه الهی مقاصد خودمان را در ترقی ملت ایران و سایر مواد اصلاحات دولتی حتماً بموقع اجرا بیاوریم

اولاً وسیله افتتاح پیشرفت این مقصود منوط به تعیین حدود و وظایف خدمت مأمورین دولتی و حفظ حقوق رعیت میباشد . و بدیهی است که رعیت بمنزله اولاد ما و ما بجای پدر مهربان برای آنها هستیم . اگر بقدر سرموئی ظلم و بیحسابی نسبت به پست ترین رعیت ما بشود مثل این است که به نزدیک ترین بستگان ما تعدی و بی اعتدالی شده و بلکه اگر قلب ضعیف ترین افراد رعیت آزرده شود در حکم آنست که قلب رحیم و خاطر رؤف ما شکسته و آزرده شده باشد . در اینصورت نوکر دولت باید خیر خواه رعیت و طالب آسایش مردم و اسباب اطمینان خاطر ما باشد

بقیه دارد

باد کوبه

خبر نکارما هوای باد کوبه کم رو بکرما نهاده است و بزركان و تجار بر حسب سنوات قبل بطرف عمارات و باغات اطراف شهر در حرکتند جناب اقا محمد حسین رئیس التجار تاجر یزدی سلامتی چند روز است از رشت مراجعت کرده اند و در ظرف چند روز توفشان برشت کاملاً تدارکات زمین و مصالح کار و بناء عمارت کارخانه چراغ الکتریک و کازرا فراهم آورد. عود نمودند در حقیقت آنچه از زیره کبی و دانائی و وطن پرستی و دولت خواهی جناب رئیس التجار عرض شود کم گفته شده است انقدر در این قسم کارها سعی و جاهد هستند و مشغولات دولت و ملت را منظور دارند که نمیشود محدودش کرد والا این کار سنگین و پر زحمت بامشتی مردم کم فرصت بی ظرفیت که هم خدا را میخواهند و هم خرما در واقع بیهوده بانی و ساعی این عمل خیلی دشوار و زحمت دارد مگر غیرت و حمیت به براند زحمت را چنانچه در این هوا هم روزه آقای رئیس التجار بنفسه میروند در کارخانه چراغ کاز و حدادی (کپانیه میر کوری) و دو ساعت مشغول کار میشوند که از فنون و تجربه علم این شغلرا تحصیل کرده باشند اسباب و آلات کارخانه هم کم کم برور میرسد الحمد لله چراغ اقبال و نیت اهالی رشت بر افروخته شد حال چهارم شهر ایرانست که دارای چراغ برق یا الکتریک با کهربائی شده است

دیگر با سر جناب حاجی زین العابدین تقی اف تاجر باد کوبه حاجی حسین تقی اف که رئیس کل فابریک قماش باقی جناب تقی اف میباشد بطرف حاجی ترخان و غزاف روسیه روانه شد که از انجا دو هزار زن مرد بچه بزرگ از مسلمانان بی چاره بجهت فابریک اجاره کرده بیاورد چونکه تا چنددی دیگر فابریک شبانه روز باید کار بکند و این جمعیت که واقع یک محشر میباشد کفاف نمیکند و رفتن و آمدن حاجی را جناب حاجی تقی اف بیست پنجروز

معین فرموده اند در حقیقت مدیر های امورات جناب تقی اف هر یک در عمل و شغل خود اول نخبه هستند کار آزموده و مجرب و چیز دان و بصیر میباشدند این حاجی حسین تقی اف از اولین مردان متعصب غیور ملت پرست است و انقدر با کفایت و لیاقت است که چندین هزار نفر از مسلمان روس ارمنی یهود زن مرد بزرگ کوچک را بقسمی راه میبرد و با آنها سلوک میکند که نفس احدی بیرون نیاید تمامی کمال رضا یتمند را از سر پرستی اودارند از کفایت او این نکته بس است که در زمان آشوب کردن عمه جات کارخانجات که در هر گوشه فریاد و شلوغی بود این کارخانه در کمال نظم کار میکرد و خیلی باعث توجه کارکنان دولت بهیه روسیه شد

وقوعات دیگر در ۱۲ ربیع الاول که مقارن بود با عید مولود حضرت رسالتناهی پیغمبر اکرم صلعم فتمتحان عمومی (اشقوله) مکتب بنات مجانی جناب حاجی ازین العابدین تقی اف تاجر باد کوبه بود بر حسب دعوتنامه مخصوص که جناب حاجی اقا مقرر فرموده بودند چند روز قبل خدمت علماء و اعیان و اشراف و تجار و زنان بزرگان و علماء اعلام فرستاده بودند روز مذکور دو ساعت بظهور مانده همگی حاضر شده بودند چنانچه بخواهم اسامی آقایان و حرمان محترمان را بنویسم زیاد میشود اول جناب فہام عمدة العلماء العظام آقای اقامیر کریم مجتهد حاجی میر جعفر زاده مجتهد که امروز از جمله علماء بزرگ قفقاز ایه بحساب میروند تشریف آوردند بمعیت جناب شریعتمدار آخوند ملا یوسف طالب زاده و چند نفر دیگر از معلمهای مسلمانان و بعد یک یک از بزرگان و تجار باد کوبه تشریف فرما شدند جناب حاجی اقا زین العابدین تقی اف خودشان شخصا از جان و دل در کمال بشاشت و کشاده روئی پذیرائی میفرمودند مدعوینرا و بعد حضرات زنان و معلمه های و حرمهای بزرگان آمدند انها هم رفتند در محل مخصوص در انجا هم حرم محترم جناب حاجی آقای زین العابدین تقی اوف مشغول پذیرائی بود پدران و مادران در خدمتگذاری

نوابه کان وطن و چراغان ملت و برادران دینی مشغول بودند بعد چند دختر شش هفت ساله پس از امتحان دادن در انجمنه آمدند حضور آقایان عظام و بزرگان والا مقام بعد از خطبه غرایی و سلام و صلوات بر روان پیغمبر و آتش و دعای دوام بقای دولتین علیتین و پدر و مادر حقیقی خود جناب حاجی زین العابدین نقی اف و حرم محترمه شان بنای امتحان گذاشتند آقای شریعتدار مقدم از اصول دین و معاد و شک و غایب پرسش کردند از هر یک مقدمه مسئله میسر میدهند و بقیه همان مطالب را از آن دیگر میپرسیدند بدون تامل جواب میدادند از قرائت و تجوید سؤال فرمودند جواب دادند قرائت قرآن شریف را بقسمی کردند که اقا فرمودند ما شاء الله بمردهای هشتاد ساله ما که عاجزند از گفتن یک از مسائل یومیه واجب و یک سطر خواندن قرآن در واقع اهالی تجاس مات و متحیر شدند از وضع امتحان این دخترهای صغیره که این قسم در مدت کم ترقی کردند این دسته ز طبقه (کیلاس) دوم بودند که آمدند حضور آقایان امتحان دادند انشاء الله در هفته بعد اسامی اطفالی که امتحان داده اند عرض میکنم این مدرسه بنات جناب نقی اف همان مدرسه است که اعلحضرت مظفر الدین شاد یک دهنه تشریف فرما شدند انشاء الله عکس (اشقوله) مدرسه را مع عکس زمان تشریف فرمائی اعلحضرت هابونی (به اشقوله) و عکس فاریک را گرفته ارسال مینمایم که محض خشنودی و هیجان آمدن سایر همشهریها و ابناء وطن در جریده مقدسه (چهره نما) رسم بفرمائید اما افسوس که این شهر بزرگ اسلامی منحصر است بهمین یک مدرسه خداوند توفیق بدهد بکسانی که در این اعمال سعی میباشند

تیشه بر ریشه خود هر که زند اینش سزاست

خباث فطرت و دنائت طینت آرامنه چنان کرد

و غبار فساد بر انگیخته و طرح نفی و ضلالت و کمرهی و شرارت ریخته که معنی (نعمتان مجهولتان الصحت والامان) هزاران فرسنگها ز فرد فردشان بگریخته باسیاست فائمه ثلوت علیه عثمانی و تنبیهات کافیه دولت روسیه از خیالات بی معنی و موهومات صرف دست نمیکشند و هر روز آتش فتنه و فساد در گوشه مشتعل مینمایند در حالتیکه میدانند افروختن ان آتش طولی نکشد که دامن کیرشان گردد و خاتمانشان بر باد دهد و ساحت هستیشانرا بدیار عدم فرستد باز در پیشرفت مقاصد فاسده غفلت نکنند و خود را دانسته و فهمیده بدست اجل سپارند

بعد از حکم انعدام آرامنه در اسلامبول این گروه از دانش تهی و فریفته نفس دون و حماقت و ابلیهی باز سلسله شرارت را در ضمیر خود امتداد داده و بدست او نیز بعضی پیران غافل و جوانان جاهل که در وقت فرار با امریک رفته بودند و سایل دفاعیه ناریه فراهم آورده یعنی ان اطفال در امریکا تحصیل سرباختن و کسب بد عملی و جان تباه کردن کرده جزئی تعلیمات نارنجک و تمهیدات باروت و فشنک ساختن آموخته معاودت با وطن خود منشاء فتنه و فساد میگردند و محل ذخیره آلات حربیه و خروج این عمل شنیرا (ساسون و موش) قرار میدهند و در دردهای کوه و شکافها و مغاره های ساسون بعضی آلات حربیه میسپارند و پنهان مینمایند و نفی بسرای حکومتی و سربازخانه دولتی میکنند بسمیکه در بند سیاسی گذشته نگاشته شد غافل از آنکه همه ساکنین ان قطعات بر فرض

وتادر بعضي اساسها ريشه مضره ندوانيده اند ودر مزرعه نمك نشناسي نهال شرارت غرس نكرده اند دست آمال فساد انديشه انها را مقطوع كنند عجب است از فراست وهوشياري دولت انگليس كه بواسطه انعدام ارامنه (ساسون ودموت) ببا بعالي اعتراض كرده در صورتيكه سوء افعالشان اشكاراست وهر هفته وهر ماه بالغ بر هزار و دو هزار اشرار ارامنه از بلاد روسيه بچانب سيبيريا عزيمت واز انجا بشهر ستان عدم رهسپار ميگردند و هيچ كس خبر دار نميشود

بقية اجمل التواريخ *

(از نمره ۵)

امير خلف بن احمد بن يعقوب سيستاني پادشاهي بزرگ بوده وپانزده سال حكومت داشته آخر الامر امير خلف بدست سلطان محمود غزنوي گرفتار شد ودر محبس سلطان روحش از حبس تن و حكومت سيستان باقرباي امير خلف انتقال يافت وفاتش در سيصد و نود و نه بوده جمعي كثر در سيستان حكومت كرده اند اما از جانب سلاطين غزنويه و سلجوقيه ايالت داشته اند تفصيل اين در تاريخ احياء الملوك تاليف شاه حسين سيستاني مسطور است

آل سامان از اولاد بهرام كور قتل بهرام چويينه كه ايشان اسامانيه كونيد نه نفر بوده اند مدت ملكشان يكصد و هفت سال و چهار ماه است يكصد و دو سال نيم نيز گفته اند

بيست هزار نفر مكمل و مسلح هم باشند و آتش فسادشان سر بعيوق كشد بيك پف عساكر ساخلوي عثماني در طرابوزن خاموش وهستيشانرا با خاك زمين به نيم ساعت پست ميكنند

قدري غور در افكار اين شرارت پيشه كان خام و خيانت انديشه كان شود بر همه عالميان مشهود ميگردد كه امروز در مقام كره خاك و فرق سلسله بني آدم رذيلتر و بد بخت و كراهتر از اين فرقه يافت نمي شود كه ايسان تيشه بر ريشه جان مال عيال اطفال خود ميزند دولت عليه عثماني حكمي بغايت سخت صادر كرده است كه ارامنه سكنه بلاد و قراء و سواحل عثماني بهيچ وسيله نبايد از محل خود حركت كنند يا داخل و خارج بشوند و هيچ يك نميتوانند از يك شهر تا شهر ديگر كه ده ميل مسافت باشد مسافرت كنند هر كس در هر جاهست اقامت ابدي دارد

از نظرف دولت روسيه چنان سخت بانها گرفته است كه ممكن نيست ارامنه تبعه هر دولت بغير از اتباع دولت عليه ايران از حدود و ثغورش عبور كنند امروز خوش بختترين ارامنه روي زمين ارامنه ايران هستند كه در كمال ازادي و راحت بدون خوف و هراس از كشته شدن و نابود كردن زنده كي ميكنند بلكه در اغلب مواقع با سم تبعه خارجه و بواسطه عدم علم و بصيرت اهائي كستاخيا ميكنند و تعديات و تجاوزات مينمايند بر رجال كار آگاه دولت عليه ايران فرض است كه حتي المقدور مباشرت امورات سياسي و كارهاي مهمه دولتي را بدين طايفه مفوض نفرمايند

امیر اسماعیل بن احمد سامانی هشت سال و دومه قوی
پانزده سال امیر احمد بن اسماعیل سامانی شش سال
و اشش ماه بوده امیر نصر بن احمد سامانی سی و سه
سال و سه ماه یا بیست و هفت سال امیر نوح بن
نصر سامانی دوازده سال و هفت ماه امیر عبد الملک
بن نوح هفت سال و شش ماه امیر منصور بن
عبد الملک بن نوح سامانی پانزده سال امیر نوح
منصور سامانی بیست و یکسال و هفت ماه امیر منصور
بن نوح نصر سامانی یکسال و هفت ماه امیر عبد الملک
سامانی هشت ماه و هفت روز آخرین این طبقه ابراهیم
منتصر بوده کشته گشته و سلطنت خراسان بغزنویه رسیده
و در سیصد و نود و پنج منقرض شدند آغاز ظهور ملوک
سامانیه در دو بیست و شصت و یک بوده

آل زیار از دیلمه که ایشان آل قابوس
خوانند از ایشان ده کس سلطنت کرده اند مدت
ملکشان صد و شصت بوده است

ماکان بن کاکی شش سال اسفار بن شیرویه
دیلمی هشت سال مرداو بیج بن زیار هفت سال
دشمکیر بن زیار می و چهار سال بهمنون بن
دشمکیر نه سال شمس المعالی قابوس بن دشمکیر
بیست سال متوچهر بن قابوس بیست و پنج سال
دارا بن قابوس امیر کابل بخار می سال کیکاوس بن
اسکندر بیست و یکسال صاحب قابوس نامه است و منظومات
نیز داشته بعد از و کیلان شاه پسر اوست و قابوس نامه
بنام او نوشته علی ای حال او آخرین این طایفه بوده است
در اواخر جهاد میکرده صاحب قابوس نامه از خلیفه لقبش
عنصر المعالی بود و مریدی حکیم بوده رحمة الله زمان انقراض
ملک انبیطایفه در چهار صد و شصت و هشت بعضی زمان
حکومت این قوم راصد و پنجاه و پنجسال دانسته اند

آل ناصر و آل سبکتکین غزنویه را گویند

و این طبقه چهارده کس اند مدت ملکشان یکصد
و نود و پنج سال بوده است

ظهور غزنویه در سیصد و هشتاد و نه هجری بوده است
امیر ناصر الدین سبکتکین داماد البتکین بیست سال
امیر ناصر الدین سلطان محمود بن ناصر الدین می و پنجسال
ابو العباس مأمون بن مأمون که بعد از برادرش
ابو منصور احمد بن مأمون موروثاً از جانب آل سامان
خوارزم شاه بوده امرایش او را بکشتمند چون داماد سلطان
محمود غزنوی بود سلطان بخوارزم رفته قتل او را بکشت
و حکومت خوارزم را یکی از امرای خود واکذاشت
سلطنت آل فریغون انقراض یافت سلطان محمد بن
محمود غزنوی پنجسال سلطان مسعود بن سلطان
محمود سیزده سال سلطان مودود بن سلطان مسعود

هفت سال سلطان مسعود بن مودود یک ماه
سلطان علی بن مسعود دو سال عبد الرشید بن مسعود
یکسال فراخ زاد بن سلطان مسعود شش سال
سلطان ابراهیم بن مسعود چهل و دو سال جلال الدین
مسعود بن ابراهیم شانزده سال شیرزاد بن مسعود
یکسال سلطان ارسلان شاه بن مسعود سه سال
سلطان بهرام شاه بن مسعود می و دو سال سلطان
خسر و شاه بن بهرام شاه هشت ماه خسر و ملک بن خسر و
شاه دو سال

آل بویه که ایشان رادیلمه خوانند پانزده تن
بوده اند و دو بیست و پنججاه و هشت سال و بقول یک
صد و هشتاد و پنجسال سلطنت کرده اند

آغاز ظهور دولت دیلمه در سیصد و بیست و دو بوده
عماد الدوله نخست فارس را از خلیفه اجاره کرده بعد
اظهار استقلال نموده مالک شد در سنه سیصد و سی و هفت
در گذشت رکن الدوله بغداد لشکر کشیده پسر عم
عضد الدوله بختیار را از خلیفه گرفته مقیداً بفارس آورد

شاهنشاه می خوانده و اونیز چون مانند معز الدوله شیعی مذهب وزیدی بوده چون او سب و لعن خلفای جور راجاری و رایج نموده تعزیه ابا عبدالله الحسین را رواج داد و کتاب تاجی که در مآثر آل بویه است بنام اوست شیخ مفید شیعی و سید مرتضی علم الهدی و سید رضی از تلامذه شیخ مفید بوده اند قاضی ابو بکر باقلانی خوارزمی هم در آن عهد بوده است وفات عضد الدوله در سیصد و هفتاد و دو بوده عز الدوله بختیار بن معز الدوله و لیعهد پدر بود بشرط متابعت باعم خود رکن الدوله و اوجوانی قوی جثه بر قوت بوده در بغداد امارت داشته در میانه او و ترکان منازعه و مقاتله افتاد و او مغلوبا بواسطه رفت چون عضد الدوله بشنید بیغداد لشکر کشید خلیفه و اتراک بتکریت بگریختند عضد الدوله در بغداد جلوس کرده متمکن شد کس فرستاده طایع خلیفه را بیغداد آورده با او بیعت کرده بنشاند و بختیار را صاحب اختیار کرده بفارس باز آمد اما بعد از فوت رکن الدوله که عضد بیغداد رفت بختیار با سپاه بمقاتله عضد الدوله در آمد و گرفتار شد و بقتل رسید مدت عمرش سی و شش سال حکومتش یازده سال



- ترقیات علم و تنزلات جهل در ژاپون -

(تعداد مکاتب و مدارس ابتدائیه و علمیه در ممالک ژاپون)

(وعده شاگردانش)

اغلب دول اروپا رسم چنین است که اهالی را چیراً داخل در مدارس ابتدائیه مینمایند و تکلیف مردم آنست که اطفال خویشرا از ذکور و اناس مقدماتا در مدارس ابتدائیه بگذارند و این حکم بدون استثناء شامل حال عالی دانی فقیر کبیر می باشد و کسپرا حق

در خاتمہ حال امویان و مقدمه دولت عباسیان اجمالاً ذکر شد که دولت اصلیت و فرعی و آن سه دولت بوده اول از دولت اصلی دولت خلفای حضرت رسول صلی الله علیه و اله بوده دوم دولت امویان سیم عباسیان الی آخره اما سه دولت فرعی بر این سه دولت اصلی طاری شده و چنان ممالکت آن عریض و بسیط گردیده که همه خلائیق آنرا مطیع شدند و بر منصب خلافت خلفا غلبه کرد اول دولت علویان بمصر دوم آل بویه باعزان و غیره سیم دولت سلجوقیان بوده و هر چه بغیر این سه دولت بوده است بر خلافت غالب نشده اند اگر چه ملک ایشان بسطقی کامل حاصل کرده تفصیل حالات آل بویه در اغلب کتب تواریخ مضبوطست نسب بویه بهرام چوبینه منتهی میگردد و در فهرست التواریخ و نثراد نامه سابقاً نکاشته اند حاجت بتکرار نیست اول ایشان عماد الدوله علی بن بویه دیلمی رحمه الله شازده سال و هشتمه عماد الدوله و فاتش در سال سیصد و سی و هشت بوده است رکن الدوله حسن بن بویه دیلمی چهل و چهار سال در سی صد و شصت و شش در گذشته و زرش ابو الفضل محمد بن الحسین المعروف بابن العمید و صاحب عباد از اصحاب و نوابغ او بوده است و ابن بابویه معاصر او بوده است معز الدوله احمد بن بویه دیلمی بیست و یکسال در سیصد و سی بیغداد رفته مستکنی خلیفه عباسیرا میل کشیده فضل بن معتمد را خلافت داد عضد الدوله بن رکن الدوله رحمه الله سی و چهار سال از آثار و امارت صدق نیت او عمارت دار الشفای بیغداد شریف نجف اشرف و عتبات عالیات و حصار مدینه منوره و بندهای بر رود کرد برکه اصطخر که آرزافت پایه بود و اگر روزی هزار کس در عرض سالی آزان برکه آب خوردند ی ناحدیک پایه خالی شدی در صفت آن برکه گفته اند دریائی در کوهی و در صفت بند گفته اند که کوهی دریائی طرح انداخته در فضل و کمال و رای و تدبیر بی نظیر بود و اورا همگی

تجاوز نیست و هم از طرف دولت مدارس خیریه
مجبانی باز و برقرار است که احیانا کسی استطاعت نداشته
باشد در صورت ثبوت بدان مدرسه خیریه اولاد
خود را بفرستد پذیرفته خواهد شد و این اصول
در مملکت ژاپون بمراتب بهتر و مکملتر برقرار است
بموجب (استاتستیک) سرشماری سال گذشته
مدارس ابتدائیه ممالک ژاپون بیست هفت هزار
دویست نودشش ۲۷۲۹۶ عدد بوده و هزار هفصد
پنجاه نه مدرسه رشدیه و علمیه و فنیه و صناعیه بوده است
و در ممالک انگلیس سی دو هزار سیصد بیست پنج
مدرسه بوده است باین قرار و معیار ترقی علم و زیاد
شدن عده مدارس در ژاپون بمدت قلیل از مدارس
انگلیس پیشی گرفته چرا که امتداد ترقی زمان انگلیس
بازاپون زیاده از دویست سال است و باین میزان
و حساب امروزه طولی نکشد که در علوم و فنون
دولت ژاپن بر تمامی دول شرق و غرب سبقت گیرد
و کوی علوم عالی و فنون و الیه را از توسعه دوائر
مدارسش از میادین اروپا و یان ببرد عده شاگردان
ذکور مدارس ابتدائیه و علمیه ژاپون سه ملیان چهار
صد بیست پنجهزار پانصد چهل دو ۳۴۲۵۵۴۲ نفر
بوده است و عده شاگردان اناث یکمیلیان دویست
نود پنجهزار هفصد هشتاد یک ۱۲۹۵۷۸۱ نفر
بوده است و عده شاگردان و متعلمین نظامی دولتی
بیست پنجهزار ششصد نود سه ۲۵۶۹۳ نفر بوده

چهره نما

ای ابناء وطن کرامی بکوشید و لباس علم

مقاله مخصوصه

(موتو قبل ان تموتو حسبو قبل ان تحاسبو)

بمیراید و ست پیش از مرگ اگر خود زنده کی خاهی
که ادریس از چین مردن بهشتی کشت پیش از ما
حضرت باری جل و علا در خلقت جنس بشر
آفرینشی بسزا فرمود و امتیازی بی اندازه بچشود
هر قدر کمیت توصیف در فضایی لایتناهی بتازد

کند . واستعدادیکه موهبت خداست . وقابلیتیکه بخشش کبریائیست بنماید . واز فرط معرفت ودانائی . واز حسن تربیت وتوانائی . پرده اوهام وخرق ظنون بدرد . وبمقام عالیه اصلیه انسانیت برسد . وعالمیرا از کشف حقایق علیه وحل مشاکل فنیه مبهوت سازد . وبرملا اعلا بدون فیض روح القدس بوسیله (بالون) درآید و بنازد . وغراض شخصیه بیکسوی نهد . وامراض نفسیه ازمیان ببرد پرده جهل که اس اساس تنزلات است بدراند . وبرقع علم که باب الابواب ترقیات است بکشاید . واز کسب معرفت خیمه غرت بر سردق آباء علوی زند . واز جاب تربیت ریشه ذلت از بطن امهات سفلوی بکند . واز درک دانش از جام روح افزای مدنیت . بچشد . واز جذب ینش بمقام رفیع انسانیت فضیلتی بخشد . مشکها آسان و پرایشانهارا سامان دهد . ومنتی عظیم بر کلیه مخلوقات نهد . وهر ذیفراستی که فر فراست خودرا بظهور رسانید و ابناء وطن ونوع خودرا از قید اسارت رها نید تا قیام قیامت نام بردار واز تمتع حیات چند روزه بر خوردار شود بقیه دارد

لنك آید . وهرچه سمند تعریف در صحرائی بی انتها براند پایش بسنك آید . مگر از هزاران یکی . واز فزونها اندکی . توان نکاشت . وبمصدق (مالا يدرك كله لا یترك كله) چیزی میان گذاشت . انسان یعنی بر کزیده حضرت سبحان . که آفریده ایست از اب و خاک . وخلقیتست سراپاهوش و ادراک . جمیع موجودات را سرور . وکلیه ممکنات را جوهر . سرشتش با همه ظلمت و کدورت و تیره کی روح مجسم . و عنصرش با همه ثقلت وحجمت و چیره کی . نور معظم . نخبه عالمیان . ونسخه جهانیان . جوهریست قابل وتابنده . وکوهیست کامل ودرخشنده . ذرات را فیض رساننده ومخلوقات را پروراننده . دریائیست بی کران که در زرف ننگد . وکتابیست بی پایان که بحرف نسنجد . مخلوقیست اکمل مخلوقات و کرنایه . وموجودیست افضل موجودات و عرش پایه . آنچه باشد و بنظر آید . باز عقول متعلقین را بهت سازد . دست پخت کارخانه قدرت ازلی . واراده کامله خلقت نمائی موهبت لم یزلی شمایی ملک خصایل آفرید . وهیکلی فلک جلائل آورد . وخمیرشرا از انوار قدس بر کزید . وترکیش را از آیات رحمت برکشید . و (نفخ فیہ من روحه وجعل لکم السمع والابصار والافئدة قلیلا ما تشکرون) این خلقت با عظمت که لولوییست خوشاب . واین آیت قدرت که کوهیست نایاب . مقرش در دل سنك نهاد . وجایگاهش رادر مضیق تنك قرار داد . که در انصخره صما جنبشی ودر سختی خارا کوششی

✽ اینکه شیرانرا کندرو به مزاج * احتیاجست . ✽

چندی بود بهودیهاییکه نتوانسته بودند . از خاک روسیه مهاجرت بطرف هانگری وامریکا نمایند ناچار در کمال سختی در بلاد روسیه زیست میکردند اینک مجادله اقصای شرق دولت روس را

رئوف و رعیت نواز نموده است آنست از طرف روسیه فرمانی به رؤسای موسویان صادر شده که دولت روسیه کمال مراغبت و همراهی را در هر مورد از شماها دارد و کسانیکه در دوائر حکومتی و بانکهای دولتی مستخدم بوده اند عود نموده باشند و کماکان بر قرار باشند و بعدها در مواقع مخصوصه دولت طرفداریهای زیاد خواهد کرد که تلافی شداید گذشته از همگی شده باشد و درایزای این موهبت و رؤفت و بخشایش خسروانه دولت روس از چند فرروسا و متولین بنی اسرائیلی خواهشی محقر دارد که در این تنگی کشایشی کنند و کمکی نموده باشند که پس از اختتام جنگ آنچه گرفته شود با فرع قابل معمولی مسترد خواهد شد

— افغانستان —

(شیر را بچه همی ماند بدو)

چندیست که در بازوی راست امیر جوان نجت افغانستان حضرت والا امیر حبیب الله خان سردار افغان سوزه سرزده و جراحی نشسته آنچه بمعالجات داخله پرداخته اند اثری بظهور نه پیوسته و علائم بهبودی حاصل نشده است و بواسطه سوزش و زحمت این زخم اسباب نا راحتی فراهم و اغلب اوقات خاطر امیر اشفته و درهم است اغلب اعضاء حکومتی و محارم خانواده امیری اظهار داشته اند که علاج این

درد بسته بوجود یک نفر از اطبا و جراحین اروپاست و در داخله افغانستان چنین حکیم بصیر دانا بامهارت یافت نمی شود که بتواند قلع ماده این مرض را بنماید و رفع زحمت این سوزه را نموده باشد حضرت والا امیر رضا نداده اند و هر وقتیکه اظهار از آوردن یکی دو کترهای فرنک شده است بمسأله گذرانیده اند و معین کرده اند که اگر تا فلان وقت بهبودی حاصل نشود رای خود را در این خصوص خواهم داد تا این اوقات که التهاب سوزه بیش از پیش شده است که صبر و سکونت امیر را گرفته اعیان و بزرگان درگاه متفقا بعرض رسانیده اند که بیش ازین جایز نیست به تفره و تعاطل گذرانیدن و ماده مرض را غلیظ کردن که شاید بعدها از علاج بگذرد و التیامی نه پذیرد امیر جوان نجت وطن دوست جواب داده اند چگونه خاطر مرا رضا بدهم به آمدن یکی از ملل اجانب بخاک پاک و کوه تابناک افغانستان و وطن پاکیزه خود چنانچه امکان داشت و دارد و یافت میشود خوب است جراحی از ممالک دولت علیه عثمانی طلبیده شود یا ز در بار دولت علیه ایران بطلبید و شماها که خیر خواه من و دولت خدا داد افغانستان هستید سعی و کوشش در این خصوص بکنید بلکه ممکن شود از این دولت معظمه اسلامیة جراحی یافت و احضار شود که براتب بهتر است از روی زدن بخوارچه در باریان و بزرگان افغان چند روزی در این خصوص سعی و مخاברה کرده بعد از یاس و حرمان و شدت سوزه اجازه میطلبند که جراحی بواسطه

فرما نفرمای هند از انگلستان بطلبند انگلیسان که در این گونه امورات که مرام دولتی و پولتیکیراهم شامل است بخصوص در نقشه سیاسی اهم افغانستان در ظرف کمی دو کتری انگلیسی بکابل حاضر مینمایند پس از دیدن بازو و زخم اظهار میکند باید عملیات بشود و تشریح بنمایم وقتوا بشکافتن بازو داده است امنا و رجال و خود حضرت والا امیر و محارم همگی رد کرده اند و رضا نداده اند و با کثرت درد و شدت سوزش و التهاب میگویند همه روزه بمحکمه حکومتی حاضر میشوند بلکه سون سپاه و قشون را تحال بهم زده اند و بقرار معمولی بوقتش حاضر میشوند و ساعات سرکشی خود را بمهام حکومتی فوت نکرده اند

خوانی حضرت سید الشهدا روحی له الفداء بکنند و یک سهم وقف صندوق انجمن خیریه ایرانیان مصر بنمایند و مبلغ پانصد سی لیره انگلیسی بخدمت کارها و مباشرین اموراتش بخشیده است ما بقی آنچه از ثلث بماند بعد از خرج کفن و دفن و نماز و روزه پنجماهساله جائی خریده مزید بر وقف سابق الذکر بنمایند و این مرحوم بجز یک زن دیگر کسی نداشت یعنی اولاد و غیره حالیه جناب حاجی میرزا عبد الجواد مشکي مشغول عمل کردن وصایا هستند

چهره نما *

برك عیثی بکور خویش فرست

کس نیاید ز پس تو پیش فرصت
ماها از خود سری و غفلت و خیره کی و بطالت

تا مکرر حضرت عزرائیل را برای العین نه بینیم
اطمینان بمرک پیدا نمیکنیم و هرگز بفکر نامی بنگ
و عملی بخیر نزدیک که باقیات الصالحات باشد
فمی اقبیم و باجود آنکه همه روزه در جراید
اروپاویان میخوانیم فلان موسیو امریکائی در زنده
کی خود ملیان ملیان وقف مدارس علمی ایتم کرده
و فلان (مادمازل) فرانسوی کرور کرور بجهت
دار العجزه ملی بخشیده چرا راه دور برویم احمد
پاشا منشای مصری پانصد فدان زمین وقف بر
مدرسه (عروته الوثقی) نموده که هر فدان

مصر

خبر نکارما جناب اقا اسد الله انیتغه چی
اصفهان یوم قبل داعی حق را لبیک گفتند مدتی
بود دوسه مرض عارض بود کبر سن آخر مرض
بود چونکه چند وقت ناخوش بودند و یقین بمرک
حاصل کرده بودند و صیتنامه محکم نوشتند و جناب
حاجی میرزا عبد الجواد صاحب مشکي تاجر اصفهان را
وصی قرار دادند من جمله از وصیتهای ان مرحوم این
بوده که خانه و نصف و کاله (تجارتخانه را) وقف
مدرسه ایتم ایرانی بنمایند و نصف و کاله را بدو سهم
کرده یک سهم وقف عزرا داری و مصارف روضه

صد لیره مصري قيمت اوست (لیره مصري) تقريباً (شش تومانست) ويكصد فدان زرين وقف مدرسه جمالهائي مصر کرده است جگر ما بسوزد بربد بختي وبي حميتي خودمان که جمالهائي مصري بايد از خودشان مدرسه داشته باشند ولاکن نوباره کان واطفال تجار ما در بر مصر هر يك غريبانه وبي صاحبانه در مدرسه بروند اي برادران وطني واقايان مصري پيسايد بالاي غيرتي همتي کنيد ورحمي باين ودابع معصوم حضرت آله کنيد فردا بخداي لا يزل در معرض حساب سخت خوفناکيد ودر نزد منتغم حقيقي مسئول وهراسناکيد چندي قبل خبر نکارما در ضمن اخبارات مصر اشارتي کرد وبشارتي آورد بدنيجتانه مرکب اين خبر خشک نشده بود که خيالات ساعيان اين بناي مقدس منصرف شد

« تلکرافات عمومي »

(از ۱۰ ربيع ۲)

بطرسبورخ جنرال کورپانکين سپهسالار قشون روس خبر ميدهد که ژاپونها در کمال استقامت در شبه جزيره (لياوننگ) پيشقدمي مينمايند ودر مواضع مرتفعه شمالي شرقي (کواندر يانسيان) وجنوب (کايينغ) توپهاي متعدد نصب کرده اند

بطرسبورخ وزير بحري روس ميگويد که جنرال کورپانکين نيت سعي وکوشش وثبات در حراست (کايينغ) ندارد وخوف از ان دارد که قشون (نوکو) ملحق بقشون (جنرال کورکي) بشود (درها پشنغ) وچنين از علامت

برآيد که (نيوشوانغ ونیکونر) جنرال کورپانکين تخليه کند توکيو مخبر روتر از پاي تحت ژاپون لکرافا خبر ميدهد که جنرال نوکو امير البحر ژاپون در شمالي (بندر پور آرتر) بذريعه يك اسطول جنکي کشتي زره پوش (برسفيت) رر سرا غرق کرد که در ظرف يك ساعت ۴۲ دقيقه فرور فتن او طول کشيد (سوستاپولرا) از کار انداخت که اسلح پذيرانيست براي جنک ويک فروند کشتي جنکي معمولي روس که سيمي بود غرق کرد (دوکشتي غرق ويک کشتي ني کار شده است از روس)

واشنطن آزاي جمهور اتفاق کرده به انتخابات نمودن (مستر روز فلت) برباست کليه وتصديق نمودن (مستر فر بانکس راوبه سکرتهري داري جناب مستر روز فلت)

لياو يانغ مخبرهاواس چنين متوحشانه خبر ميدهد که امروز ميدان جنک در شمالي غربي (فنگ هوانغ شانغ) زياد شدت داشت وريزش خمپاره وکلوله مثل قطرات باران از جوانب ميبايرد از پياده وسواره مرد مرکب در چند موضع نيه هاي کشته افراشته شده بود امتدادش هفت ساعت ۲۵ دقيقه عده مقتولين نامعلوم غنيمت ژاپون ۱۸ عراده توپ ميداني وچند قبضه تفنگ بود وروها از اضطراب ۶۰ نفر مقتولين خودرا گذاشته رفتند

لندن روزنامه تيمس کتايي نشر داده است که ان کتاب مشتمل بر نوزده فصل است واز آثار (کونت تولستوي فيلسوف روسي است) ودر افصول فيلسوف دانشمند از عواقب جنک ژاپون باروس ميگويد و به وطنان خود که اهالي روسيه باشند وصيت ميکند که نا بتوانيد از جنک ژاپون کناره جوئيد واز شرق اقضا کناره نمائيد و امپراطور روس را سخت خطاب ميکند ونصيحت ميدهد که پيرامون اين جنک نا بتواني مکرد و باداب انسانيت اين قسم کارها که ضداست رفتار مکن

اعتذار بواسطه نقامت وکسالت موهسس يامدير يانکارنده هرچه بخوانند طبع جريده دوروز آمويق شد اميداست بشرط حيات وصحت از تاريخ تجاوز نکند